

بررسی وضعیت طلاق در استان تهران طی سال‌های اخیر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

کد مقاله: ۶۰۱۷۲

زینب امیدی^{۱*}، سیدکمال الدین موسوی^۲

چکیده

تحقیق پیش رو نگاهی به آخرین وضعیت طلاق در استان تهران و شهرهای آن دارد، موضوعی که ضرورت پرداختن به آن را می‌باید دروندرو به رشد طلاق درپایتخت به‌ویژه دردهه اخیر دانست. طلاق هم‌چنان از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشور است و به روزرسانی شناخت‌ها در این رابطه می‌تواند زمینه مناسبی را برای درک بهتر ابعاد مساله و تصحیح برداشت‌ها و باورهای قالبی از آن فراهم کرده و به ارتقای فرهنگ جامعه و سالم‌سازی محیط به‌ویژه پیشگیری از پیامدهای طلاق یاری رساند. نوع پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و روش تحقیق نیز روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است. علت اصلی در انتخاب این روش وجود شرایط اپیدمیک بیماری کرونا و دشواری انجام پیمایش در میان افراد جامعه طی یکی دو سال اخیر بوده است. بررسی داده‌های سالنامه‌های آماری ۹۸-۱۳۹۲ نشان می‌دهند میزان عمومی طلاق در استان تهران به‌طور جدی بالاتر از میانگین کشوری است. اکثر طلاق‌های این استان در فصل تابستان به‌ویژه مرداد ماه رخ می‌دهند. دیگر آن که کمترین میزان طلاق در فصل بهار، به‌ویژه فروردین ماه صورت گرفته و نقطه اوج طلاق‌ها هم برای مردان و هم زنان در سنین ۳۰ تا ۳۴ سالگی قابل ملاحظه است. به‌علاوه، حجم بالایی از طلاق در زن و شوهرهای هم سن و یا با یکی دو سال تفاوت سنی به نفع شوهر صورت گرفته است. پس از این گروه، میزان طلاق در زن و شوهرهایی که بیش از ۱۵ سال سابقه زندگی زناشویی داشته‌اند نیز حجم قابل توجهی را تشکیل می‌دهد، واقعیتی که شایسته تامل و تحقیقات موشکافانه‌تری در آینده خواهد بود.

واژگان کلیدی: زوج و زوجه، میزان عمومی طلاق، استان تهران، فاصله سنی زوجین

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش اجتماعی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)

zeinabomidi13781378@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان

خانواده، به عنوان اولین نهاد جامعه‌پذیری و کهن‌ترین هسته طبیعی بشری، در همه جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون تقریباً نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. طبعاً ازدواج منبای شکل‌گیری خانواده و طلاق سبب اضمحلال آن می‌شود. طلاق نیز یک رویداد مهم حیاتی و بارزترین شاخص آشفتگی زناشویی است. در حقوق مدنی ایران، طلاق عبارت است از انحلال عقد نکاح در حیات زن و شوهر با اراده مرد یا به تقاضای زن و با شرایطی معین (نیازی، ارفعی، ۱۳۹۰: ۶). طلاق شیوه‌ای نهادی شده در پایان دادن به پیوند زناشویی است هرچند راه‌های دیگری نیز غیر از آن وجود دارند همچون ترک یکی از زوجین توسط دیگری یا جدائی توافقی شده توسط زوجین. اما تفاوت طلاق با دو شیوه دیگر در این است که رسمیت دارد، توسط مقامات دولتی مورد کنترل قرار می‌گیرد، امکان ازدواج مجدد را فراهم می‌سازد و پیش‌بینی‌های لازم نظیر حضانت فرزندان در آن صورت پذیر است (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۱). خاتمه قانونی ازدواج، جدا شدن همسران از یکدیگر و از بین رفتن حقوق و تکالیف متقابلی که بین زوجین در هنگام ازدواج وجود داشته است عناصر کلیدی هر طلاق را تشکیل می‌دهد. طلاق به وجود آورنده تغییراتی در دوستی‌ها و سایر روابط اجتماعی زن و شوهرهاست. از این‌رو، جنبه‌های گسترده این پدیده را حوزه‌های علمی گوناگون از دیر باز مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند و درباره آن آثار فراوانی خلق شده است. از یک‌سو، طلاق یک پدیده روانی است زیرا نه تنها بر تعادل روانی دو انسان، بلکه بر روح و روان فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان اثر می‌گذارد. همچنین پدیده‌های اقتصادی است، چرا که به گسست یک واحد اقتصادی همچون خانواده می‌انجامد و اثراتی سهمگین در حیات اقتصادی اعضای آن بر جای می‌گذارد. بعلاوه، پدیده‌ای اثرگذار بر ابعاد کمی و کیفی جمعیت در یک جامعه است، زیرا به لحاظ کمی، خانواده را که تنها واحد مشروع و اساسی فرزندآوری است فرو می‌پاشد و به لحاظ کیفی نیز به خاطر تحویل فرزندان محروم از حمایت و هدایت خانواده که در بسیاری موارد باعث می‌شود فاقد شرایط لازم برای احراز مقام یک شهروند مسئول و وظیفه شناس در جامعه بشوند، کیفیت جمعیت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. نهایتاً این که طلاق پدیده‌ای فرهنگی است بدین معنا که می‌تواند در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی به نسل بعد اختلال ایجاد نموده و در شناخت مسیر درست یا غلط، فرزندان را دچار سردرگمی نماید. وقوع طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه آن، خانواده صرفاً ساختار بیرونی‌اش حفظ می‌شود ولی در واقع از درون تهی است، یعنی حالتی از طلاق عاطفی که در آن زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند اما روابط عاطفی سازنده و مناسبی ندارند. معمولاً طلاق عاطفی پیش درآمد طلاق‌های رسمی و قانونی است بدین معنا که ابتدا دنیای فکری، عاطفی و روحی زوجین از یکدیگر گسسته می‌شود و با گذشت زمان این جدایی به حدی می‌رسد که در زیر یک سقف نیز نمی‌توانند همدیگر را تحمل کنند و بنابراین جدایی فیزیکی و قانونی بین آن‌ها شکل می‌گیرد. برخی مطالعات نشان می‌دهند در قرن نوزدهم تنها حدود ۵ درصد از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شد ولی در قرن بیستم و امروزه حدود نیمی از ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود. محققان عواملی چون: افزایش استقلال اقتصادی زنان، کاهش درآمد مردان فاقد مدارج دانشگاهی، افزایش انتظارات اشخاص از ازدواج، کم‌سودای زوجین، فقدان شغل مناسب، شیوع فقر، و بویژه پذیرش اجتماعی طلاق به رشد بی سابقه طلاق دامن زده است اما با این حال، بسیاری از زنان و خانواده‌های آن‌ها هنوز زندگی مشترک تحت شرایط طاقت‌فرسا را بر متارکه، تنهایی، کاهش منزلت اجتماعی و افزایش فقر ترجیح می‌دهند (سفیری، ۱۳۶۶: ۶۸).

با رشد کمی و کیفی پدیده طلاق، امروزه دیگر واژه طلاق قبیح گذشته را در میان انسان‌ها ندارد، دیگر چندان زشت و نکوهیده نیست و حتی بسیاری افراد آن را به عنوان یک انتخاب فردی در نظر می‌گیرند. گویا تحول و دگرگونی‌ها در ساختار خانواده شهری، زن و شوهرها را در مسیر نیازهای تازه‌ای قرار داده که برآورده شدن آن‌ها از طریق سنت‌های گذشته دیگر چندان میسر نیست. تکنولوژی‌های جدید، گسترش ارتباطات رسانه‌ای، رشد تبلیغات پیرامون زندگی مصرفی و تحرک اجتماعی شدید در جامعه شهرنشین، معضلات عمده‌ای نظیر طلاق را سرعت بخشیده و اثرات آن را بر اقشار مختلف جامعه پیچیده و در هم تنیده کرده است. در فضای جامعه شهری، انسان‌ها در گذر از ساخت سنتی به ساخت جدید با سرگردانی و حیرت درباره ارزش‌ها و هنجارهای قدیم مواجه اند و این شرایط، نگرش شهرنشینان را نسبت به طلاق سهل‌گیرانه‌تر می‌نماید.

در دو دهه قبل طبق آمار رسمی در ایران از هر هزار ازدواج حدود دویست مورد به طلاق منجر می‌شد (بهارى و میر ویسی، ۱۳۷۷) واقعیتی که نشان می‌دهد نسبت ازدواج به طلاق تنها ۲۰٪ بوده است. اما از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۸ میزان طلاق دو برابر و در سال ۱۳۸۸ هر ۴ دقیقه یک طلاق در ایران ثبت گردید که در این میان استان تهران هم‌چون سال‌های گذشته بیشترین تعداد طلاق ثبت شده را با بیش از ۳۴ هزار مورد طلاق در سال ۸۸ به خود اختصاص می‌داد. سن طلاق در مردان هم در این بازه زمانی کاهش یافته و به ۲۷ سال رسید (کاملی، ۱۳۸۶: ۶). البته باید توجه داشت در بسیاری کشورها از جمله ایران، به علت گسیختگی پیوندهای عاطفی و اجتماعی، پدیده طلاق در میان شهرنشینان بیش از مناطق روستایی وجود داشته و خصوصاً شهرهای بزرگ بیش از شهرهای متوسط و کوچک از افزایش طلاق آسیب می‌بینند. طی سال‌های اخیر طلاق در کلان‌شهرهای ایران به‌ویژه پایتخت بسیار گسترده شده و این رشد روزافزون به جهت وجود بافت پیچیده شهری در آن محیط بسیار حائز اهمیت است زیرا غالباً تحولاتی که در پایتخت و کلان‌شهرها رخ می‌دهند هم‌چون یک موج دیر یا زود به دیگر نقاط یک کشور سرایت نموده و در آن‌ها نیز تغییراتی بوجود می‌آورند. با اندکی تامل می‌توان دریافت زنگ هشدار مدت‌هاست در پایتخت به صدا درآمده است زیرا آمارها نشان می‌دهند در سال ۱۳۹۸ نسبت ازدواج به طلاق در استان تهران حدود ۴۶ درصد بوده است یعنی به ازای

۶۸۵۹۲ مورد ازدواج ثبت شده، تعداد ۳۱۷۳۳ طلاق رخ داده است (آمار ثبت احوال، ۱۳۹۸). در پایتخت کشور، هر روز بر تعداد مراجعان به مراجع قضایی برای ارائه دادخواست طلاق به ویژه از سوی زنان افزوده می‌شود، و این روند طبعاً سوالاتی درباره علل و ابعاد این طلاق‌ها و این که چرا والدین در هنگام جدایی به سرنوشت نامعلوم و آینده فرزندان خود نمی‌اندیشند در ذهن‌ها شکل داده و انسان را به جستجو و تحقیق وامی‌دارد. باتوجه به نقش و اهمیتی که استان تهران - که پایتخت را در خود جای داده است - در اشاعه بسیاری از الگوهای رفتاری در سطح کشور داشته و دارد، مطالعه طلاق و برخی ابعاد آن به‌ویژه در سال‌های نزدیک در دستور کار این تحقیق قرار گرفته است.

۲- مبانی نظری

در ادبیات جامعه شناختی نظریات متنوعی پیرامون ابعاد گوناگون طلاق ارائه شده است. میلز (۱۹۷۶) اساساً طرح موضوعی مانند طلاق را به عنوان یک مسئله اجتماعی مستلزم تبدیل آن از گرفتاری‌های خصوصی به یک مساله عام در ساختار اجتماعی می‌داند، چرا که گرفتاری‌های خصوصی ناشی از شخصیت فرد و رابطه‌ی نزدیک با آن است اما مسائل اجتماعی اموری‌اند که از یک سو بر شرایط و زندگی خصوصی افراد حاکمند و از سوی دیگر به شرایط، سازمان جامعه و چگونگی ساخت وسیع اجتماعی وابسته هستند (نیازی، ارفعی، ۱۳۹۰: ۵۱). اما جورج هومنز (۱۹۶۱) با طرح نظریه مبادله اجتماعی، عمدتاً روی دورانی تمرکز دارد که زندگی زناشویی منجر به طلاق می‌شود. در این دوره زوجها روابطشان را کم کم براساس هزینه و فایده ارزیابی می‌کنند و کیفیت خوب بودن ازدواج بستگی به رضایت هریک از زوجین نسبت به سهم او در پاداش‌ها و هزینه‌ها دارد. پاداش‌ها شامل عشق، حمایت، مشارکت، امنیت عاطفی، ارتباطات اجتماعی و روابط جنسی است. علاقه، حمایت‌های مالی و کمک در کارهای روزانه نیز به همین میزان مهم است اما هزینه‌ها نیز هستند مانند مسئولیت و کارهای بیرونی، عادات رنج آور و یا محدودیت در آزادی و انتخاب فردی. در این دوران به‌خصوص، طبق این نظریه افراد به گونه‌ای رفتار می‌کنند که برای آن‌ها بیشترین فایده و کمترین هزینه را داشته باشد (کرنلیا برنتانو و کلارک، ۱۳۸۹: ۴۶).

در نظریه کارکردی، طلاق علیرغم تلخ و منفی بودن دارای کارکردهای ویژه‌ای برای کل نظام اجتماعی است. پیش‌گیری از مشکلاتی چون: انحرافات جنسی، خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر، سرقت و... از جمله کارکردهای مثبت طلاق تصور می‌شود زیرا خانواده‌ای که در آن اختلاف و نزاع و مشاجره وجود داشته باشد طبعاً کانون مناسبی برای رفع نیازمندی‌های عاطفی، جسمانی، اقتصادی و روانی اعضای آن نیست و اگر فردی خود را مجبور به زندگی در چنین خانواده‌ای بیاید به انواع مشکلات و مسائل اجتماعی مبتلا می‌گردد. دیدگاه وجدان جمعی نیز از زاویه دیگری به مساله می‌نگرد. این دیدگاه، وجدان جمعی را یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های تحقق اهداف و ارزش‌های جامعه می‌داند. شخص یا شاخصی ممکن است هنجارهای جامعه را تحقیر کنند، اما در برابر وجدان جمعی، جز اطاعت راهی ندارند. به اعتقاد دورکیم، هر چقدر وجدان جمعی قوی باشد، خشم عمومی در مقابل هنجارشکنی حادتر است. اما با ضعیف شدن وجدان جمعی، ارزش‌های منفی منتسب به طلاق کاهش می‌یابد و دیگر جامعه افراد مطلقه را به عنوان مطرودین اجتماعی تلقی نمی‌کند و بدین ترتیب بر میزان طلاق افزوده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۸۹). از چشم‌انداز نظریه سیستمی، طلاق در چهارچوب نظام‌ها و سیستم‌های موجود در جامعه تحلیل می‌شود. به عبارتی، وقتی در خانواده ای طلاق اتفاق می‌افتد، این اتفاق هرچند در درون یک خانواده اتفاق افتاده است ولی نمی‌توان آن را بی ارتباط با نظام‌های بیرون از این چهارچوب دانست. دست کم برخی از عوامل اختلال در روابط درون خانواده را می‌توان در بیرون از خانواده نیز جستجو کرد یعنی نظام‌های خویشاوندی، آموزشی، محل سکونت و کلاً محیط اجتماعی می‌توانند مرتبط با طلاق بوده و در گسترش یا کاهش آن نقش تعیین‌کننده داشته باشند. خانواده به عنوان بخشی از یک نظام اجتماعی، اگر دچار مسئله‌ای شود باید توجه داشت که از یکسو متاثر از دیگر عوامل یک نظام اجتماعی بوده است و از سوی دیگر به نوبه خود بر سایر خرده نظام‌ها نیز تاثیر خواهد گذاشت (ریترز، ۱۳۸۶: ۸۳۷).

نظریه برچسب چشم انداز دیگری در تحلیل این پدیده است: مطابق این نظریه، وقوع طلاق فرایندی است که غالباً توسط اطرافیان صورت می‌گیرد و عده‌ای از بیرون معمولاً زوج و زوجه را به سمت این مسئله سوق می‌دهند. اطرافیان به محض مشاهده کوچکترین اختلاف و یا حتی بواسطه برداشت‌هایی که خود از رفتار زن و شوهرها دارند شروع به افشاء و بزرگ کردن مسئله و زدن برچسب‌هایی چون وجود اختلاف بزرگ و حل نشدنی، عدم تفاهم، مقصر شماری و... می‌کنند (نیازی، ارفعی، ۱۳۹۰: ۶۰). چنین برخوردهایی از سوی اطرافیان - به‌ویژه دوستان و خویشاوندان - هم‌چون یک کاتالیزور عمل کرده و زن و شوهرها را مسیر طلاق شتاب می‌دهد.

نظریه مثلث عشق استرنبرگ نیز در تحلیل طلاق راه‌گشاست. در این نظریه سه مؤلفه عشق - شوق جنسی، صمیمیت، تعهد - به طرق گوناگون با هم ترکیب می‌شوند و از ترکیب آنها هشت نوع عشق و علاقه زناشویی بوجود می‌آید که عبارتند از:

- ۱- رابطه غیرعاشقانه، یعنی رابطه‌ای که فاقد تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است. ۲- عشق تهی، که تنها شامل تعهد، وفاقت صمیمیت و اشتیاق جنسی است. ۳- دوست داشتن، که تنها شامل صمیمیت و فاقد تعهد و اشتیاق جنسی است. ۴- شیفتگی، که تنها شامل اشتیاق جنسی و وفاقت تعهد و صمیمیت است. ۵- عشق رومانتیک، که شامل صمیمیت و اشتیاق جنسی اما فاقد تعهد است. ۶- عشق ابلهانه، که شامل تعهد و اشتیاق جنسی و فاقد صمیمیت است. ۷- عشق مصاحبتی، که شامل تعهد و صمیمیت و فاقد اشتیاق جنسی است. ۸- عشق کامل، که شامل هر سه مؤلفه تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است. با در نظر گرفتن گونه

شناسی برآمده از نظریه عشق مثلثی استرنبرگ سرخ‌هایی از طلاق عاطفی یعنی رابطه‌ای فاقد صمیمیت است بدست می‌آید و می‌توان دو نوع از هشت نوع رابطه تعریف شده توسط استرنبرگ، یعنی عشق تهی و عشق ابلهانه را طلاق عاطفی خواند (روشنی، ۱۳۸۹: ۳۱). طلاق عاطفی طبعاً وضعیت شکننده‌ای را در خانواده‌ها ایجاد می‌کند که در بسیاری مواقع می‌تواند به جدایی بینجامد.

نهایتاً می‌باید به یکی از رویکردهای پیام‌اندیش پیرامون طلاق یعنی نظریه خطر و تاب آوری اشاره داشت. این رویکرد از یکسو بر روی خطراتی تمرکز دارد که طلاق ایجاد می‌کند و از سوی دیگر بر روی توانایی افراد، به‌خصوص فرزندان در انطباق با این شرایط تلخ تکیه می‌کند. این نظریه نشان می‌دهد بعضی از کودکانی که طلاق را تجربه کرده‌اند مشکلات مهمی ندارند در حالی که بعضی دیگر شکست خورده و دارای مشکلات فراوانی هستند. از این چشم‌انداز، محققان عوامل مربوط به تاب آوری موفقیت آمیز گروه اول از بچه‌ها را جستجو کرده و دریافته‌اند که بچه‌های تاب آور خصوصیات فردی مهمی چون: هوش بالا، عزت نفس، شایستگی اجتماعی و... داشته و با روابط حمایتی از سوی خانواده، معلمان و همسالان محافظت شده و منابع اقتصادی و خدمات اجتماعی موثری در اختیار دارند. این عوامل محافظت‌کننده، اثرات مضر شرایط و رویدادهای نامساعد همراه با طلاق را تعدیل می‌کنند. امروزه به طور فزاینده‌ای از رویکرد خطرو تاب آوری به عنوان یک چارچوب سودمند جهت فهم پیامدهای بلندمدت طلاق والدین روی رشد کودکان و توانایی فردی آنان برای کنارآمدن با خود طلاق، با عوامل درون و برون خانوادگی آن استفاده می‌شود (کرنلیا برنتانو و کلارک، ۵۲: ۱۳۸۹-۵۳).

۳- پیشینه تجربی پژوهش

چنانچه می‌دانیم، در زمینه طلاق پژوهش‌های انجام شده بسیارند و هر پژوهش از زاویه‌ای به برخی ابعاد مساله پرداخته است از این رو مروری اجمالی بر تعدادی از آن‌ها مفید به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه، آماتو و راجرز (۱۹۹۹) در یک مطالعه ملی بر روی ۲۰۳۳ نفر متاهل به بررسی نگرش به طلاق پرداختند. آنان دریافته‌اند زوج‌هایی که نگرش سهل‌گیرانه نسبت به طلاق و جدایی دارند در طول زمان گرایش به تنزل کیفیت زندگی زناشویی نشان داده اما زوج‌هایی که نگرش سخت‌گیرانه‌ای نسبت به طلاق دارند، در طول زمان تمایل بیشتری به تقویت کیفیت زندگی زناشویی دارند. این الگو هم برای زندگی زناشویی کوتاه مدت و کسانی که زندگی مشترک بلندمدتی را داشته‌اند صادق است (Amato, paul & rogers, 1999). مارتین و پارشار (۲۰۰۳) نیز در پژوهشی متوجه شدند برخلاف دهه‌های گذشته که با افزایش سطح تحصیلات، نگرش به طلاق سهل‌گیرانه‌تر می‌شد و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بازترین نگرش به طلاق را داشته‌اند، اما در دهه اخیر فارغ‌التحصیلان دانشگاه بیش از دیپلمه‌ها، دبیرستانی‌ها و یا ترک تحصیل‌کردگان نسبت به طلاق نگرش سخت‌گیرانه‌ای دارند (Martin & parashar, 2003). همچنین، نتایج مطالعه کالمین^۱ و همکارانش (۲۰۰۴) پیرامون طلاق نشان داده است افراد مذهبی که رفتارهایشان را اعتقادات آن‌ها تنظیم می‌کند، کمتر طلاق می‌گیرند و میزان طلاق در آن‌ها کم است و تنها تحت شرایط خاصی، ممکن است دست به طلاق بزنند. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که طرفداری زنان از هنجارهایی چون: آزادی طلبی و برابری طلبی به‌طور قابل ملاحظه‌ای میزان طلاق را افزایش می‌دهد. به‌ویژه زمانی احتمال فروپاشی زندگی زناشویی در بالاترین حد قرار می‌گیرد که زوجین برای توسعه روابط بدیل و جایگزین فرصت‌هایی داشته باشند. بعلاوه مشخص شد که در جوامع صنعتی، پدیده زوج‌زیستی (زندگی مشترک بدون ازدواج) نقش تعیین‌کننده‌ای در تشدید روند صعودی میزان طلاق ایفا کرده است. شیوه زوج‌زیستی خصوصاً در بین کسانی بیشتر متداول است که قبلاً یک ازدواج ناموفق یا طلاق را داشته‌اند و اساساً به طلاق به‌عنوان یک راه حل برای خاتمه دادن به مشکلات زناشویی اعتقاد دارند. کسانی که تجربه زوج‌زیستی و نگرش ذکر شده را نسبت به طلاق ندارند، کمتر در معرض واقعه طلاق هستند (Kalmijn, 2004).

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی در این زمینه صورت گرفته است که به برخی اشاره می‌شود. ابراهیم محمودی در سال ۱۳۹۰ طی پژوهشی پیرامون عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج دریافت که عواملی چون: اختلاف تحصیلی زوجین، مراد به خویشاوندان، فردگرایی در خانواده، میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر، اختلاف طبقاتی خانواده زوجین، میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، دخالت اطرافیان در زندگی زوجین با گرایش آندو به طلاق ارتباط معناداری دارد. زهرا افشاری نیز در سال ۱۳۹۱ در پژوهشی با عنوان «مطالعه‌ی برخی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر گرایش به طلاق» در شهر زنجان عواملی چون فردگرایی زنان، رشد عقلانیت زنان، تغییر هنجارهای جامعه، تجربه‌ی قبلی ازدواج یا طلاق زوجین، ازدواج مجدد همسر، سابقه‌ی طلاق اقوام زوجین، وضعیت مهاجرت زنان مورد مطالعه و مدت زمان اعتیاد همسر را با مساله گرایش زنان به طلاق مرتبط یافته است. در شهر کاشان نیز بابایی فرد و همکاران (۱۳۹۹) ضمن بررسی عوامل موثر بر گرایش به طلاق در زن و شوهرهای کاشانی دریافته‌اند بین متغیرهایی چون اختلاف نظر با همسر، میزان دخالت دیگران، ویژگی‌های روان‌شناختی زوجین، مقایسه دوران تأهل با تجرد، انتظارات از نقش همسر و میزان دینداری زوجین با میزان گرایش به طلاق دارای یک رابطه همبستگی معنادار می‌باشد. از شهرهای کوچک که به پایتخت می‌آییم نیز مطالعات انجام شده به پاره‌ای عوامل دست یافته‌اند. از آن جمله قادری نیا در سال ۱۳۹۲ به بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق و علل آن در شهر تهران پرداخته و

1. Kalmijn

با مطالعه ۲۰۴ نفر از زنان و مردانی که در زمان پژوهش به دادگاه‌های خانواده جهت درخواست طلاق مراجعه کرده بودند متوجه شد که مهم‌ترین علل طلاق در مردان تهرانی را به ترتیب: مشکلات شخصیتی، عدم تعادل روحی، عدم تفاهم، فقدان بلوغ فکری و عاطفی و همچنین دخالت اطرافیان تشکیل می‌دهد ولی در زنان تهرانی این عوامل به ترتیب: دخالت اطرافیان، مشکلات شخصیتی، ناهماهنگی‌های روحی و بویژه اعتیاد اظهار شده است. توحید حسینی اصل نیز در تهران و در سال ۱۳۹۳ پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی موثر بر افزایش طلاق در سال ۱۳۹۳» انجام داد و نتایج بررسی او نیز نشان داد به جز وضعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی، مجموعه‌ای از متغیرهای اجتماعی و روانی نیز دارای رابطه‌ی معنادار با متغیر وابسته یعنی طلاق بوده‌اند. در مطالعه اسماعیل زاده (۱۳۹۳) با عنوان مرور سیستماتیک تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق که یک‌نوع مطالعه اسنادی از نوع "فراتحلیل کیفی" و یا "مرور سیستماتیک" بوده است نیز مشخص شد بیشتر طلاق‌ها در تهران رخ داده و بیشتر مطالعات نیز در باره طلاق در این شهر انجام شده است.

غالب تحقیقات ذکر شده بر عوامل موثر بر طلاق تمرکز دارند. این پژوهش‌ها به ما می‌گویند در محیط‌هایی چون اروپا و آمریکا که نیازهای اولیه و اقتصادی برای بقاء خانواده‌ها تامین است عوامل اصلی برهم زنده‌ی زندگی زناشویی را عمدتاً در عوامل فرهنگی همچون نوع نگرش، میزان دینداری، سطح تحصیلات و ارزش‌ها و هنجارها باید جست. لیکن در تحقیقات داخلی، عوامل اجتماعی و اقتصادی پر رنگ تر به نظر می‌رسند. مرادیه با خویشاوندان، دخالت‌های خویشاوندان، اختلاف طبقاتی زوجین، وضعیت اقتصادی خانواده، سابقه طلاق زوجین از جمله عواملی هستند که روی آن‌ها بیشتر تاکید شده است. دیگر این‌ها که غالب تحقیقات مزبور به شیوه پیمایش و مطالعات میدانی انجام شده و چندان جدید نیستند، از این‌رو پژوهش حاضر سعی در مطالعه اسناد و گزارش‌های آماری بویژه در سالیان نزدیک دارد تا چهره تازه این پدیده را در مهم‌ترین استان کشور یعنی تهران به تصویر بکشد. در حقیقت، اهداف متنوعی می‌توانست در زمینه طلاق‌های این استان مورد بررسی قرار گیرد که خارج از ظرفیت و حوصله این نوشتار بودند اما از این میان برخی از اهداف که پژوهش حاضر در پی تحقق آن‌ها بوده است به شرح زیر ذکر می‌گردد:

۱. شناسایی میزان عمومی طلاق طی سالهای اخیر در استان تهران
۲. شناسایی میزان طلاق برحسب فصول و ماه‌های سال
۳. شناسایی میزان طلاق برحسب سن زن و مرد هنگام جدایی
۴. شناسایی میزان طلاق برحسب اختلاف سنی زوج نسبت به زوجه
۵. شناسایی میزان طلاق برحسب سابقه زندگی زناشویی
۶. شناسایی میزان طلاق در شهرهای استان تهران به تفکیک سن زن و شوهر

۴- روش پژوهش

این پژوهش به وضعیت طلاق در استان تهران و شهرهای آن طی سال‌های دهه ۹۰ هجری شمسی پرداخته است. نوع پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و روش تحقیق نیز روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد، روشی که در آن بر روی اطلاعات و داده‌های موجود مقایسه‌ها و تجزیه و تحلیل‌هایی صورت می‌گیرد. علت اصلی در انتخاب روش اسنادی وجود شرایط اپیدمی بیماری کرونا و دشواری انجام پیمایش در میان افراد جامعه بوده است. در این راستا داده‌های وقایع حیاتی جمعیتی از سایت اینترنتی سازمان ثبت احوال کل کشور و داده‌های آماری جمعیت استان تهران و شهرهای آن با مراجعه به سایت مرکز آمار ایران و بعضی گزارش‌های تحقیقاتی دیگر گردآوری و مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را عمدتاً داده‌های سرشماری‌های کل کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ تشکیل می‌دهد. بنابراین در این مطالعه، هیچ داده‌ای به طور مستقیم تولید نشده، و به جای آن، برای تجزیه و تحلیل ابعاد طلاق، مجموعه‌ای از اطلاعات موجود در سایت مرکز آمار ایران استفاده شده است. نمونه تحقیق را گزیده‌هایی از آمارهای موجود طلاق در استان تهران آن هم بر اساس اهداف و سوالات تعیین شده در بر می‌گیرد. البته پژوهش حاضر هرچند از نوع تحقیقات اسنادی است اما ضمن بررسی کمی آمارهای موجود، یافته‌های این تحقیق در مقایسه با یافته‌های قبلی مورد بحث قرار گرفته است.

۵- یافته‌های پژوهش

استان تهران با جمعیتی بالغ بر ۱۳ میلیون نفر، در حدود ۶٫۵٪ از جمعیت ۸۵ میلیونی کشور را تشکیل داده است اما در همین حال بنابر تازه‌ترین آمارها، ۱۸٫۹٪ کل طلاق‌هایی که در ایران رخ می‌دهد مربوط به این استان بوده است (سالنامه آماری ۱۳۹۷، جدول شماره ۲، ص ۶۱). این بدان معناست که از هر ۵ طلاق که در کشور رخ می‌دهد یکی مربوط به استان تهران است. داده‌های ثبت احوال نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۹ نسبت ازدواج به طلاق در استان تهران ۲ بوده است یعنی هم‌اکنون به ازای هر دو ازدواج تقریباً یک طلاق در این استان رخ می‌دهد. این درحالی است که در همان سال، میانگین کشوری شاخص ازدواج به طلاق ۳ بوده است یعنی بطور متوسط ۳۰٪ ازدواج‌ها در کشور به طلاق منجر شده‌اند. چنین واقعیتی ما را بر آن داشته تا به برخی زوایای ناپیدای این مساله در استان تهران بپردازیم.

۵-۱- میزان عمومی طلاق

در نخستین گام، دریافت تصویری کلی از فراز و نشیب هایی که میزان عمومی طلاق طی سالیان نزدیک در استان تهران داشته است مد نظر قرار می‌گیرد. هر چند، مقایسه آماری میان استان تهران با روند طلاق در کل کشور نیز طبعاً ابعاد کامل‌تری از تصویر مربوطه را در اختیار می‌گذارد. با اقتباس از آمارهای منتشره سال ۱۳۹۸ سازمان ثبت احوال کشور، میزان طلاق در استان تهران و کشور به صورت مقایسه ای در جدول شماره یک ارائه شده است:

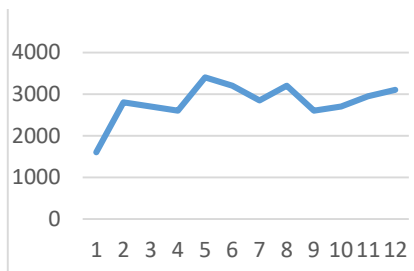
جدول ۱- میزان عمومی طلاق از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ در استان تهران (سالنامه آماری سال ۱۳۹۷: ۹۳)

سال ۱۳۹۷	سال ۱۳۹۶	سال ۱۳۹۵	سال ۱۳۹۴	سال ۱۳۹۳	سال ۱۳۹۲	
۲,۲	۲,۳	۲,۲	۲,۳	۲,۳	۲/۲ (درهزار)	کشور
۲,۵	۲,۹	۲,۹	۲,۹	۲,۹	۲,۹	استان تهران

چنانچه در جدول شماره یک ملاحظه می‌شود استان تهران در سال‌های ۹۲ تا ۹۷ تقریباً روند ثابتی از طلاق را داشته اما در سال ۱۳۹۷ روند اندکی کاهش یافته و از ۲/۹ به ۲/۵ در هزار نفر جمعیت رسیده است. روند طلاق‌ها در بازه زمانی ذکر شده در کل کشور نیز تقریباً ثابت مانده و بین ۲/۲ تا ۲/۳ در هزار در نوسان می‌باشد. بدین ترتیب در طول سال‌های اخیر استان تهران ضمن برخورداری از نرخ طلاقی بالاتر از میانگین کشوری، گویا بار اصلی طلاق‌ها در ایران را بردوش کشیده است، پدیده ای که در کمتر استانی می‌توان مشابه آن را سراغ گرفت.

۵-۲- توزیع طلاق بر حسب فصول و ماه‌ها

حجم طلاق‌های ثبت شده در استان تهران - مانند هر استان یا شهر دیگری - در طول سال با نوساناتی روبه‌روست. به عنوان نمونه، آمارها نشان می‌دهند در سال ۱۳۹۵ در استان تهران تعداد ۳۳۷۰۶ مورد طلاق به ثبت رسیده بود اما توزیع طلاق در ماه‌های مختلف سال یکسان نبوده بلکه در برخی ماه‌ها و فصل‌ها کمتر و در برخی به نقطه اوج می‌رسد. برای درک روشن‌تری از مساله، تعداد طلاق‌های ثبت شده بر حسب ماه وقوع در استان تهران در سال ۱۳۹۵ در نمودار شماره ۱ ارائه گردیده است.



شکل ۱- توزیع طلاق بر حسب فصول و ماه‌ها (منبع: سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری ۱۳۹۵، ص ۱۰۳)

چنانچه در نمودار شماره یک ملاحظه می‌شود تعداد 33706 طلاق‌های استان تهران در سال ۹۵ توزیع ناهمسانی در طول ماه‌های سال داشته و یک روند دارای فراز و نشیب را از ابتدا تا انتهای سال نشان می‌دهد. فصل بهار بویژه فروردین ماه دارای کمترین میزان طلاق، اما فصل تابستان بویژه مرداد ماه دارای بالاترین میزان طلاق بوده است. داده‌های تفصیلی حاکی از آن است که بطور متوسط در فروردین روزانه بیش از 50 مورد اما در مردادماه روزانه بیش از 100 مورد طلاق صورت می‌گیرد. ابتدای سال، تعداد طلاق‌ها حجم نسبتاً کمی را در مقایسه با بقیه ماه‌ها نشان می‌دهد (تقریباً نصف ماه‌های دیگر) ولی در اردیبهشت ماه روند طلاق شتاب می‌گیرد. در ماه خرداد و تیر روند طلاق از یک ثبات نسبی برخوردار است اما در نیمه تابستان یعنی مرداد ماه تعداد طلاق‌ها روند صعودی گرفته و به نقطه اوج می‌رسد هرچند تا آخر تابستان یعنی شهریور تا حدودی کاهش می‌یابد. در نیمه دوم سال، در مهر ماه طلاق روند نزولی داشته اما دوباره در آبان کمی افزایش و سپس تا آذر ماه دوباره کاهش پیدا می‌کند. از آذرماه به بعد تا آخرین ماه سال میزان طلاق‌ها در استان تهران یک روند افزایشی ملایمی را طی می‌کند لیکن با فرارسید عید نوروز و فروردین ماه شاهد افت شدید میزان طلاق‌ها هستیم.

۵-۳- توزیع طلاق بر حسب سن زوجین هنگام جدایی

شناخت سن و سالی که در آن مردان و زنان بیشتر در معرض خطر طلاق قرار دارند یکی از نکات مهمی است که می‌تواند در برنامه ریزی‌ها جهت عبور سالم و ایمن زنان و مردان جامعه از این مقطع زمانی حساس مفید واقع شود. بدون تردید توزیع طلاق در سنین پس از ازدواج برای مردان و زنان یکسان نیست بلکه در برخی سنین کمتر رخ داده ولی در برخی سنین به اوج خود می‌رسد. برای بررسی توزیع سنی طلاق و پی بردن به دوره زمانی حساس و پر خطر طلاق برای مردان و زنان، آمار طلاق بر حسب سن و جنس در سال ۱۳۹۶ در مورد استان تهران مینا قرار گرفته و در جدول دو ارائه شده است.

جدول ۲- سن طلاق گیرندگان در استان تهران به تفکیک جنسیت (سالنامه آماری ۱۳۹۶، جدول شماره ۱۷ ص ۱۹۹).

سن طلاق گیرندگان استان تهران (۱۳۹۶)	مردان	زنان
۱۹-۱۵ سال	۸۲ نفر	۱۷۵۲ نفر
۲۴-۲۰	۱۵۵۵	۴۳۴۱
۲۹-۲۵	۵۴۶۰	۶۸۶۲
۳۴-۳۰	۸۴۶۵	۸۳۷۶
۳۹-۳۵	۷۱۹۳	۶۱۰۲
۴۴-۴۰	۴۴۴۳	۳۳۹۹
۴۹-۴۵	۳۳۵۱	۲۲۹۰
۵۴-۵۰	۲۳۰۱	۱۳۶۶
۵۹-۵۵	۱۲۹۰	۷۶۹
۶۴-۶۰	۷۶۳	۳۶۷
۶۹-۶۵	۳۸۵	۱۳۶
۷۴-۷۰	۲۲۵	۴۶
۷۵ و بیشتر	۳۰۴	۲۹

با توجه به نتایج جدول (۲) از مجموع ۳۵۸۱۸ نفر مرد که در استان تهران در سال ۱۳۹۶ طلاق گرفته‌اند سهم مردان میانسال بویژه آن‌ها که در سنین ۳۰ تا ۳۹ سال قرار دارند بیش از گروه‌های سنی دیگر است و بیش از ۴۰٪ کل طلاق‌های مردان مربوط به آن‌هاست. این نتیجه نشان می‌دهد در استان تهران، دوران پر خطر برای مردان در زندگی زناشویی سن ۳۰-۳۴ و سپس ۳۵-۳۹ سالگی است و اگر مردان متاهل بتوانند از این دوران به سلامت عبور کنند، پس از آن زندگی زناشویی شان با خطر فروپاشی کمتری روبرو خواهد بود. توزیع سنی طلاق‌ها در بین زنان نیز یکسان نبوده و نقطه ثقل طلاق زنان را می‌توان در سنین ۳۰-۳۴ سال و سپس ۲۵-۲۹ سالگی ملاحظه کرد. بیشترین طلاق در زنان - مشابه با مردان- در ابتدای میانسالی و در سن ۳۰-۳۴ سال صورت می‌گیرد، اما سن ۲۵-۲۹ سالگی نیز برای زنان متاهل تهرانی یک دوره پرخطر برای زندگی زناشویی است زیرا تعداد طلاق‌های آن در رتبه دوم قرار دارد. بدین ترتیب می‌توان گفت اینروزها "سن طلاق" یا همان پرخطرترین دوران زندگی زناشویی مردان و زنان را در استان تهران سنین ۳۰-۳۴ سالگی تشکیل می‌دهد.

در واقع، سن طلاق در استان تهران یک گروه سنی از سن طلاق در کل کشور بالاتر است زیرا در سال ۱۳۹۶، بیشترین طلاق‌ها (۳۷۰۱۱ مورد) در کل کشور مربوط به گروه سنی ۲۵-۲۹ سالگی بوده است (سالنامه آماری ۱۳۹۶ جدول شماره ۱۸، ۲۰۲). نکته دیگری که نتایج جدول (۲) بدست می‌دهد میزان طلاق نوجوانان بویژه دختران است که تقریباً ۵٪ کل طلاق‌های زنان در استان تهران را تشکیل داده است. این مساله حاکی از وجود واقعیت کودک همسری و ازدواج‌های زود هنگام در دختران حتی در پایتخت است بطوری که در سال ۱۳۹۷ هجری شمسی، ۳۲/۸ درصد زنان و ۳/۶ درصد مردان ازدواج کرده دارای سن و سال کمتر از ۲۰ سال بوده‌اند (سالنامه آماری ۱۳۹۷: ۷۱).

۴-۵- توزیع طلاق‌ها برحسب فاصله سنی زوجین

فاصله سنی زن و شوهرها نیز در برخی مطالعات به عنوان یکی از عوامل وقوع طلاق شمرده شده است. اگر بپذیریم در هر سن و سالی انسان‌ها از چشم انداز خاصی به مسایل پیرامون خود نگاه می‌کنند آن‌گاه می‌توان احتمال داد فاصله سنی زوجین شاید می‌تواند زمینه را برای عدم درک متقابل و فقدان زبان مشترک میان زن و شوهرها فراهم سازد. البته این پدیده در شهرهای مدرن و سنتی یکسان نیست چرا که فاصله سنی ممکن است در یک محیط سنتی دقیقاً برعکس یک محیط شهری بزرگ و مدرن عمل نماید یعنی در محیط سنتی ایجاد مشکل نکند اما در محیط مدرن خانواده را از هم بپاشد. کنکاش در این زمینه در استان تهران نیز یکی از اهداف تحقیق بوده است از این‌رو، ابتدا نگاهی به آمارهای سال ۱۳۹۶ و نحوه توزیع طلاق‌ها بر حسب فاصله سنی زوجین در جدول شماره سه می‌اندازیم.

جدول ۳- توزیع طلاق برحسب فاصله سنی زوجین (سالنامه آماری سال ۱۳۹۶: ۴۸۱)

شوهر بزرگتر از زن	تعداد طلاق	زن بزرگتر از شوهر	تعداد طلاق
بیش از ۲۰ سال	۴۰۹ مورد	بیش از ۲۰ سال	۱۸ مورد
۱۶-۲۰ سال	۵۰۳	۱۶-۲۰ سال	۳۳
۱۱-۱۵ سال	۲۲۶۳	۱۱-۱۵ سال	۱۲۳
۶-۱۰ سال	۹۲۴۳	۶-۱۰ سال	۴۲۹
۱-۵ سال	۱۵۶۱۲	۱-۵ سال	۲۹۲۵
همسن و سال	۴۲۶۰ مورد		

داده‌های جدول (۳) نشان می‌دهد از مجموع ۳۵۸۱۸ مورد طلاقی که در استان تهران طی سال ۱۳۹۶ صورت گرفته است بیشترین تعداد طلاق در زن و شوهرهایی صورت گرفته که شوهر بین یک تا ۵ سال از زن بزرگتر بوده است. این نوع طلاق‌ها ۴۳٪ کل طلاق‌های استان تهران را در سال‌های اخیر تشکیل می‌دهد. پس از این گروه، بیشترین طلاق‌ها را در زوجینی می‌توان

دید که در آن‌ها شوهر بین ۶ تا ۱۰ سال بزرگتر از همسر خود بوده زیرا سهم این گروه نیز در کل طلاق‌های استان در حدود ۲۶٪ می‌باشد که رقم بالایی است. اما میزان طلاق زن و شوهرهای همسن و سال تقریباً ۱۲٪ کل طلاق‌های استان را تشکیل می‌دهد و به عبارتی می‌توان ملاحظه کرد از هر ۲٫۵ طلاق یکی مربوط به فاصله سنی بین ۱-۵ سال، از هر ۴ طلاق یکی مربوط به فاصله سنی ۶-۱۰ سال، و از هر ۸ طلاق یکی مربوط به زن و شوهرهای همسن و سال است. جالب اینکه در زن و شوهرهایی که سن زن بین ۱ تا ۵ سال بزرگتر از شوهر بوده است نیز تعداد طلاق‌ها بیش از بقیه گروه‌هایی است که در آن‌ها سن زن بزرگتر از شوهر می‌باشد.

۵-۵- توزیع طلاق بر حسب سابقه زندگی زناشویی

سابقه زندگی زناشویی و سال‌هایی که از تشکیل خانواده گذشته نیز یکی از عواملی است که به نظر می‌رسد بتواند در استحکام و یا عدم استحکام زندگی زناشویی و در نتیجه وقوع طلاق نقش ایفا کند. این مساله را با استناد به آمارهای منتشره در سال ۱۳۹۶ در جدول شماره چهار مرور می‌کنیم.

جدول ۴- تعداد طلاق‌های ثبت شده بر حسب سابقه زندگی زناشویی (سالنامه آماری سال ۱۳۹۶: ۲۰۴)

سال	جمع	سابقه زندگی زناشویی							مکان جغرافیایی
		زیر ۱ سال	۱ سال	۲ سال	۳ سال	۴ سال	۵-۹ سال	۱۰-۱۴ سال و بیشتر	
۹۳۱۸	۳۵۸۱۸	۳۰۵۴	۲۹۲۲	۲۴۶۸	۲۲۳۶	۲۰۵۴	۸۰۲۶	۵۷۴۰	استان تهران

طبق آمارهای جدول چهارمی‌توان گفت در سال‌های اخیر بیشترین طلاق‌های استان تهران (۲۶٪) در زوجینی که ۱۵ سال یا بیشتر با هم زندگی کرده اند رخ می‌دهد. به عبارتی، از هر ۴ طلاق، یک مورد مربوط به زوجینی است که ۱۵ سال و بیشتر زندگی زناشویی داشته‌اند و این واقعیتی تلخ و قابل تأمل است. همچنین، سهم طلاق‌هایی که زوجین بین ۵ تا ۹ سال زندگی زناشویی مشترک داشته‌اند معادل ۲۲٪ یعنی یک پنجم کل طلاق‌ها در این استان بوده است که این واقعیت نیز تلخ و قابل کنکاش است. وقتی به جدول چهارمی‌نگریم، ملاحظه می‌شود آمارهای طلاق در خانواده‌های تازه تاسیس - ۴ تا ۱ سال - چندان بالا نبوده و بین ۵ تا ۸٪ طلاق‌های استان را تشکیل می‌دهد شاید بدین علت که در سال‌های ابتدای زندگی زناشویی، معمولاً والدین فرزندان تازه ازدواج کرده خود را تحت حمایت‌های مختلفی قرار می‌دهند اما با گذشت زمان و مستقل تر شدن خانواده، شرایط اقتصادی چهره واقعی خود را بیشتر نشان داده و فشارهای مضاعفی بر زندگی زناشویی وارد می‌آورد.

۵-۶- توزیع طلاق بر حسب سن زوجین به تفکیک شهرهای استان تهران

از دیگر جنبه‌های قابل مطالعه در زمینه طلاق در استان تهران بررسی طلاق‌های ثبت شده بر حسب سن زوجین در زمان طلاق به‌ویژه شهرهای آن است. در این راستا، در جدول پنج، ابتدا آمارهای سال ۱۳۹۶ پیرامون تعداد طلاق در شهرهای استان تهران را بر حسب سن شوهران مرور می‌کنیم.

جدول ۵- توزیع طلاق در شهرهای استان بر حسب سن شوهر (سالنامه آماری سال ۱۳۹۶: ۵۷۳)

سال	جمع	۱۵-	۲۰-	۲۵-	۳۰-	۳۵-	۴۰-	۴۵-	۵۰-	۵۵-	۶۰-	۶۵-
شهرستان	جمع	۱۹	۲۴	۲۹	۳۴	۳۹	۴۴	۴۹	۵۴	۵۹	۶۴	۶۹
اسلامشهر	۱۰۶۱	۲	۷۶	۲۱۹	۲۶۵	۱۹۸	۱۱۳	۸۲	۴۵	۲۰	۱۶	۷
بهارستان	۱۴۳۱	۱۳	۱۴۲	۳۴۹	۳۴۷	۲۴۱	۱۴۵	۸۸	۵۷	۲۳	۱۴	۳
پاکدشت	۱۱۲۸	۸	۹۲	۲۶۶	۲۸۶	۲۱۵	۱۰۸	۶۷	۳۹	۱۹	۷	۵
پردیس	۴۷۸	۱	۲۸	۷۵	۱۱۹	۸۹	۵۵	۴۵	۲۷	۱۸	۸	۲
پیشوا	۱۲۹	۰	۷	۲۸	۲۹	۳۱	۱۴	۸	۳	۲	۰	۲
تهران	۲۴۴۳۵	۲۶	۶۸۷	۳۰۶۳	۵۷۱۷	۵۰۹۹	۳۱۷۴	۲۴۸۴	۱۸۳۲	۱۰۳۵	۶۱۷	۳۱۱
دماوند	۱۲۶	۰	۴	۱۷	۲۷	۲۶	۱۴	۱۸	۷	۵	۳	۲
رباط کریم	۱۰۸۱	۱۱	۱۱۳	۲۷۶	۲۳۷	۱۸۸	۹۷	۸۰	۳۷	۱۸	۱۰	۵
ری	۱۷۴۵	۴	۹۴	۳۱۱	۴۲۶	۳۶۳	۱۹۷	۱۵۱	۸۳	۴۰	۲۹	۲۰
شمیرانات	۴۱	۰	۲	۳	۶	۷	۷	۶	۵	۲	۰	۱
شهریار	۱۵۶۹	۳	۱۱۶	۳۱۱	۲۸۸	۲۷۴	۱۷۹	۱۲۵	۷۶	۴۵	۳۰	۱۰

سال	جمع	-۱۵	-۲۰	-۲۵	-۳۰	-۳۵	-۴۰	-۴۵	-۵۰	-۵۵	-۶۰	-۶۵
شهرستان		۱۹	۲۴	۲۹	۳۴	۳۹	۴۴	۴۹	۵۴	۵۹	۶۴	۶۹
فیروزکوه	۲۴	۰	۴	۴	۳	۶	۳	۳	۰	۱	۰	۰
قدس	۶۵۹	۶	۴۱	۱۴۱	۱۶۰	۱۴۱	۸۲	۴۴	۱۵	۱۱	۶	۶
قرچک	۵۳۳	۴	۶۱	۱۰۹	۱۲۸	۹۵	۷۲	۲۸	۲۰	۹	۳	۲
ملارد	۶۸۵	۲	۴۲	۱۲۶	۱۴۷	۱۱۹	۹۴	۷۳	۳۳	۲۸	۱۰	۳
ورامین	۶۹۳	۲	۴۶	۱۶۲	۱۸۰	۱۰۱	۸۹	۴۹	۲۲	۱۴	۱۰	۶

باتوجه به جدول (۵) ملاحظه می‌شود توزیع طلاق در سال‌های اخیر در شهرهای استان تهران یکسان نبوده است. مطابق انتظار، در شهر تهران بیشترین میزان طلاق ثبت شده را شاهد هستیم اما شهر فیروزکوه با ۲۴ مورد و سپس شمیرانات (لواسانات، اوشون، فشم، لشگرک و...) با ۴۱ مورد، کمترین میزان طلاق را داشته اند. در اکثر شهرهای استان تهران - به استثنای رباط کریم و شهرک بهارستان - نقطه ثقل طلاق‌ها در سن ۳۰-۳۴ سالگی است اما در این دوشهر سن طلاق بین ۲۵-۲۹ سالگی بوده است. دیگر آن‌که، در برخی از شهرهای استان شاهد طلاق‌های نوجوانان زیر ۱۹ ساله هستیم که هرچند تعداد آن زیاد نیست (۸۲ مورد) اما قابل تامل است. همچنین طلاق مردان کهنسال نیز جالب توجه است زیرا ۵٪ طلاق‌های شهر تهران، و حدود ۴٪ طلاق‌های شهر ری و اسلامشهر را طلاق سالمندان ۶۰ ساله و بیشتر تشکیل داده اند. در شمیرانات و فیروزکوه، طلاق سالمندان تقریباً به چشم نمی‌خورد.

در کنار طلاق در شهرها بر حسب سن شوهر، بررسی طلاق‌های ثبت شده بر حسب سن زوجه (زن) نیز جنبه جالب دیگری از مساله را تشکیل می‌دهد. از این‌رو، با استناد به آمارهای سالنامه آماری ۱۳۹۶ مندرج در جدول شش به توصیف این مساله می‌پردازیم.

جدول ۶- توزیع طلاق در شهرهای استان تهران بر حسب سن زوجه یا زن (سالنامه آماری سال ۱۳۹۶: ۵۹۹)

سال	جمع	-۱۰	-۱۵	-۲۰	-۲۵	-۳۰	-۳۵	-۴۰	-۴۵	-۵۰	-۵۵	-۶۰	-۶۵
شهرستان		۱۴	۱۹	۲۴	۲۹	۳۴	۳۹	۴۴	۴۹	۵۴	۵۹	۶۴	۶۹
جمع	۳۵۸۱۸	۸۳	۱۷۵۲	۴۲۴۱	۶۸۶۲	۸۳۷۶	۶۱۰۲	۳۳۹۹	۲۲۹۰	۱۳۶۶	۷۶۹	۳۶۷	۱۳۶
اسلامشهر	۱۰۶۱	۲	۹۳	۱۸۵	۲۱۴	۲۴۳	۱۳۹	۸۳	۵۸	۲۰	۱۴	۶	۳
بهارستان	۱۴۳۱	۱۶	۱۸۷	۲۶۸	۳۲۶	۲۷۲	۱۵۹	۹۵	۵۳	۲۶	۱۸	۸	۱
پاکدشت	۱۱۲۸	۸	۱۱۸	۲۱۱	۲۲۴	۲۷۳	۱۴۸	۶۶	۳۶	۲۵	۱۲	۳	۱
پردیس	۴۷۸	۱	۲۸	۸۲	۹۴	۱۰۳	۶۴	۴۵	۳۱	۱۳	۹	۴	۲
پیشوا	۱۲۹	۰	۷	۲۶	۳۲	۲۹	۱۸	۷	۵	۳	۱	۱	۰
تهران	۲۴۴۳۵	۱۱	۶۵۴	۲۲۵۶	۴۵۲۶	۵۹۶۷	۴۵۵۰	۲۵۲۰	۱۷۶۵	۱۱۰۵	۶۱۵	۲۹۳	۱۱۵
دماوند	۱۲۶	۰	۲	۱۹	۲۲	۲۷	۲۰	۱۷	۹	۴	۴	۱	۰
رباط کریم	۱۰۸۱	۱۴	۱۵۱	۲۲۶	۲۲۳	۱۹۱	۱۲۷	۶۲	۴۶	۲۳	۱۱	۶	۱
ری	۱۷۴۵	۶	۱۳۳	۲۵۲	۳۲۴	۳۹۷	۲۸۲	۱۶۷	۸۴	۴۸	۲۴	۲۰	۵
شمیرانات	۴۱	۰	۱	۴	۵	۱۰	۷	۵	۵	۱	۲	۰	۱
شهریار	۱۵۶۹	۱۱	۱۲۹	۲۶۲	۳۳۰	۳۳۸	۲۰۸	۱۲۹	۷۸	۳۷	۳۱	۱۱	۴
فیروزکوه	۲۴	۰	۳	۷	۲	۶	۳	۱	۱	۰	۱	۰	۰
قدس	۶۵۹	۳	۵۶	۱۱۱	۱۵۷	۱۴۳	۹۲	۵۲	۲۸	۸	۳	۴	۲
قرچک	۵۳۳	۵	۶۷	۹۸	۱۰۱	۱۰۳	۸۶	۳۷	۲۰	۱۱	۳	۱	۰
ملارد	۶۸۵	۲	۵۶	۱۰۸	۱۲۲	۱۴۱	۱۰۳	۶۴	۴۹	۲۵	۱۰	۴	۰
ورامین	۶۹۳	۴	۶۷	۱۲۶	۱۶۰	۱۳۳	۹۶	۴۹	۲۲	۱۷	۱۱	۵	۱

داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد هرچند بیشتر طلاق‌های استان تهران در سنین ۳۰-۳۴ سالگی رخ می‌دهد اما از این میان در شش شهر بنام‌های بهارستان، رباط کریم، ورامین، پیشوا و شهرک قدس یا قلعه حسن خان قدیم، نقطه ثقل طلاق زنان در سنین ۲۵-۲۹ سالگی است. فیروزکوه و سپس شمیرانات همچنان کم‌تعدادترین موارد طلاق زنان طلاق ولی شهر تهران پرتعدادترین موارد را در سال ۱۳۹۶ به خود اختصاص داده اند. در برخی از شهرهای استان تهران، طلاق‌های زیر ۱۵ ساله به چشم می‌خورد که غم‌انگیز است و در این رابطه، بهارستان، رباط کریم و شهریار به ترتیب بیشترین طلاق‌های زیر ۱۵ ساله زنان را شاهد بوده اند.

البته موارد ذکر شده شامل طلاق‌های ثبت شده است زیرا در بسیاری اوقات ممکن است ازدواج و طلاق‌های دختران کم سن و سال اساساً ثبت رسمی نشود.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق نگاهی به وضعیت طلاق در استان تهران و شهرهای آن طی سال‌های اخیر یعنی دهه ۹۰ شمسی دارد. نوع پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی، روش تحقیق نیز مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، و علت اصلی در انتخاب این روش وجود شرایط اپیدمیکی بیماری کرونا و دشواری انجام پیمایش در میان افراد جامعه بوده است. اطلاعات لازم به صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری و داده‌های وقایع حیاتی جمعیتی از سایت اینترنتی سازمان ثبت احوال کل کشور، داده‌های آماری جمعیت استان تهران و شهرهای آن از طریق مراجعه به سایت مرکز آمار ایران و بعضی مقالات و کتاب‌ها و گزارش‌های تحقیقاتی دیگر جمع‌آوری و مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش به دنبال دستیابی به پاسخ سوالاتی درباره وضعیت طلاق و برخی ویژگی‌های آن در استان تهران بویژه در سال‌های اخیر بوده‌ایم.

براساس یافته‌های به دست آمده، مشخص شد استان تهران با میزان طلاق ۲٫۵ در هزار که بالاتر از میزان طلاق کشوری است در حقیقت سهم اصلی این پدیده را به خود اختصاص داده است. طلاق‌های این استان تهران توزیع ناهمسانی در فصل‌ها و ماه‌های سال داشته است به گونه‌ای که مثلاً براساس داده‌های سال فصل بهار بویژه ۱۳۹۵ اولین ماه سال یعنی فروردین دارای کمترین، اما تابستان و به‌ویژه مردادماه دارای بالاترین میزان طلاق بوده است. در فروردین روزانه بیش از ۵۰ مورد اما در مردادماه روزانه بیش از ۱۰۰ نفر یعنی دوبرابر بیشتر از فروردین در این استان طلاق صورت می‌گیرد. بدین ترتیب فصل طلاق‌ها در استان تهران فصل تابستان است اما این‌که چرا فصل گرما فصل طلاق است شاید از زوایای گوناگونی قابل توضیح باشد. در استان تهران، شلوغی، آلودگی هوا، ترافیک، نا امنی فزاینده و... در فصل تابستان با گرمای آزار دهنده‌ای ترکیب شده و غلبان عواطف و احساسات منفی در چنین شرایطی می‌تواند بسیار سریع به نقطه اوج خود برسد به گونه‌ای که هر مشکل کوچکی را- در خیابان، خانه و محیط کار- به نزاعی جدی تبدیل نماید. بعلاوه، تابستان فصل تعطیلات و حضور پر رنگ‌تر اعضای خانواده به‌ویژه مردان در محیط‌خانه نیز هست. این حضور علیرغم فوایدی که دارد، بسیاری اوقات اختلاف نظر و تنش‌های زن و شوهری را بر سر مسایل جزئی و گوناگون تشدید کرده و زمینه را برای شکاف زناشویی هموار می‌سازد. این در حالی است که در بقیه فصول سال بواسطه اشتغال به کار یا تحصیل، حضور کم‌رنگ اعضای خانواده در منزل، امکان تصادم و برخورد سلیقه‌ها و منافع را کاهش می‌دهد. در فصول و ماه‌های کاری، خانه‌ها درحقیقت بیشتر محل استراحت موقت و تجدید قوای دوباره هستند. از سوی دیگر، در تابستان بسیاری از زوجین در تعطیلی یا مرخصی سالیانه به سر برده و امکان پیگیری قانونی طلاق برای‌شان نسبت به دیگر فصل‌های سال ساده‌تر است، بنابراین مراحل قانونی ثبت و تکمیل فرایند طلاق در فصل تابستان به سرانجام می‌رسد اما در دیگر فصول سال به دلیل اشتغال زوجین، مدرسه فرزندان و... امکان پیگیری و به پایان رساندن مراحل اداری و قانونی طلاق دشوارتر خواهد بود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که این‌روزها "سن طلاق" یا همان پرخطرترین دوران زندگی زناشویی مردان و زنان را در استان تهران سنین ۳۰-۳۴ سالگی تشکیل می‌دهد و سن طلاق در استان تهران یک گروه سنی از متوسط سن طلاق در کل کشور (۲۵-۲۹ سال) بالاتر است. طلاق نوجوانان بویژه دختران که تقریباً ۵٪ کل طلاق‌های زنان در استان تهران را تشکیل می‌دهد حاکی از وجود واقعیت کودک همسری و ازدواج‌های زود هنگام در دختران حتی در پایتخت است. آمارهای سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد تنها در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۲۷۳۵ دختر ۱۵-۱۹ ساله، ۱۳۳۹ دختر ۱۰-۱۴ ساله و حتی ۱۳ دختر کمتر از ۱۰ ساله در استان تهران ازدواج کرده و به ثبت رسانده‌اند (سالنامه آماری ۱۳۹۶: ۱۹۴). بسیاری محققان برای باورند که ازدواج زودرس، نوعی خشونت است و در تعارض با حقوق انسانی قرار دارد، زیرا اغلب این نوع ازدواج‌ها خارج از اراده دختر بوده و نوعی ازدواج اجباری‌اند آن‌هم اجبار از سوی خانواده‌ها که به نوبه خود عوارض منفی روحی، اجتماعی، جسمی و... برای دختران به همراه دارد. بدون تردید عوامل مختلفی باعث کودک همسری می‌شوند اما در این میان شاید بتوان فقر را مهمترین عامل برای این شیوه ازدواج و بویژه نابودی آینده این کودکان دانست. طی سال‌های گذشته، افزایش تورم، بی‌ارزش شدن پول ملی، نابسامانی اشتغال و اوضاع اقتصادی همراه با فقر فراگیر و گسترده خانواده‌های ایرانی زمینه مساعدی را برای افزایش قابل توجه کودک همسری آن هم بیشتر در مناطق محروم حتی در حواشی پایتخت فراهم کرده است. عموماً مردانی با سن و سال بالا دخترانی از خانواده‌های فقیر را بجای خواستگاری خریداری می‌کنند، هم به وام ازدواج دست می‌یابند و هم همسری نوجوان بدست می‌آورند، هرچند که کمبود مالی خانواده دختر هم تا اندازه‌ای رفع می‌شود. نتایج چنین ازدواج‌هایی پدیده‌های پدید آمده کودک-مادری است زیرا کودکانی که بچه دار می‌شوند، مادرانی هستند که خود طبق تعاریف قانون و عرف هنوز کودک محسوب می‌شوند اما باید بار بزرگ کردن فرزند یا فرزندان را سالها به دوش بکشند، از اینرو، این ازدواج‌ها دوام چندانی ندارند و عموماً پس از چندی به جدایی، فرار و یا خودکشی می‌انجامند.

به لحاظ فاصله سنی زوجین، نتایج نشان داد بیشترین موارد طلاق مربوط به زوجینی است که در آن‌ها شوهر ۱-۵ سال از زن بزرگتر است، و پس از آن مواردی که شوهر ۶-۱۰ سال بزرگتر از همسرش بوده قرار می‌گیرد. میزان طلاق در زن و شوهرهای همسن و سال بسیار کمتر است که نشان می‌دهد در استان تهران بویژه پایتخت، زندگی زناشویی بین زن و شوهرهایی که یک یا دو گروه سنی با یکدیگر فاصله سنی دارند به لحاظ یافتن زبان مشترک و رسیدن به فهم متقابلی از مسایل پیرامونی چندان آسان

نموده و با بیشترین چالش‌ها روبروست اما در زن و شوهرهای همسن و سال و عموماً جوان، آن‌هم در محیط شهری، مدرن و متغیر تهران، دستیابی به زبان مشترک آسان‌تر و در نتیجه این چالش‌ها کم‌رنگ‌تر می‌نماید.

از منظر سابقه زندگی زناشویی که بنگریم، نتایج پژوهش نشان داد متأسفانه در سال‌های اخیر بیشترین طلاق‌های استان تهران در زوجینی با سابقه زناشویی بالا رخ می‌دهد زیرا مثلاً در سال ۱۳۹۶ از هر 4 طلاق، یک مورد مربوط به زوجینی است که 15 سال و بیشتر زندگی زناشویی داشته‌اند. سهم طلاق‌هایی که زوجین بین 5 تا 9 سال زندگی زناشویی مشترک داشته‌اند نیز یک پنجم کل طلاق‌ها در استان را تشکیل می‌دهد که واقعیتی تلخ و قابل کنکاش در تحقیقات آینده است. این که در سال‌های اخیر، چرا در خانواده‌های تهرانی آن هم با سابقه زندگی زناشویی زیاد آمار طلاق بالاست طبعاً عوامل متعددی را از جمله هزینه‌های اقتصادی به ذهن متبادر می‌سازد. هزینه‌های زندگی در تهران طی ده سال اخیر آنقدر افزایش یافته‌اند که بسیاری از سرپرست‌های خانوار را از تأمین نیازهای اولیه همسر و اعضای خانواده ناتوان کرده است. اگر در یکی دونسل قبل، سال‌های اولیه زندگی زناشویی پرتنش‌ترین دوران زن و شوهرها تلقی می‌شد، این روزها شرایط اقتصادی اجتماعی حتی خانواده‌های با سابقه را نیز به سطح زیر خط فقر برده و زیر فشارهای خود خورد می‌کند و یکی یکی فرو می‌پاشد زیرا با این قیمت‌ها، انتظارات اولیه اعضای خانواده‌ها نیز برآوردنی نیست. در سال‌های آغازین زندگی زناشویی، معمولاً والدین از فرزندان تازه ازدواج کرده خود حمایت می‌کنند اما با گذشت زمان و مستقل شدن خانواده تازه تاسیس، شرایط اقتصادی چهره واقعی خود را بیشتر نشان داده و فشارهای مضاعفی بر زندگی زناشویی وارد می‌آورد.

نهایتاً این که توزیع طلاق مردان و زنان در شهرهای استان تهران یکسان نیست، یعنی در شهر تهران بیشترین میزان طلاق اما در فیروزکوه و سپس شمیرانات (لواسانات، اوشون، فشم، لشگرک و...) کمترین میزان طلاق را شاهدیم. در اکثر شهرهای استان تهران نقطه ثقل طلاق مردها در سن ۳۰-۳۴ سالگی است اما در دو شهر رباط کریم و بهارستان، سن طلاق مردها بین ۲۵-۲۹ سالگی است. طلاق مردان سالمند نیز جالب توجه است زیرا ۵٪ طلاق‌های شهر تهران، و حدود ۴٪ طلاق‌های شهر ری و اسلامشهر را طلاق سالمندان ۶۰ ساله و بیشتر تشکیل داده‌اند ولی در شمیرانات و فیروزکوه، طلاق سالمندان تقریباً به چشم نمی‌خورد. اما در ارتباط با زنان باید گفت در شهرهای بهارستان، رباط کریم، ورامین، پیشوا و شهرک قدس یا قلعه حسن خان قدیم، نقطه ثقل طلاق زنان در سنین ۲۵-۲۹ سالگی است. فیروزکوه و سپس شمیرانات همچنان کم‌تعدادترین موارد طلاق زنان طلاق ولی شهر تهران پرتعدادترین موارد را در سال ۱۳۹۶ به خود اختصاص داده‌اند. در برخی از شهرهای استان تهران، طلاق‌های زیر ۱۵ ساله به چشم می‌خورد که غم‌انگیز است و در این رابطه، بهارستان، رباط کریم و شهریار به ترتیب بیشترین طلاق‌های زیر ۱۵ ساله زنان را شاهد بوده‌اند. بدین ترتیب، برخی از خصوصیات طلاق که در سال‌های اخیر در استان تهران نمایان شده است را می‌توان در سیمای آمار و ارقام ملاحظه نمود.

منابع

۱. افشاری، زهرا (۱۳۹۱). مطالعه برخی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر گرایش به طلاق (مورد مطالعه زنان متأهل شهر زنجان)، پایان‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
۲. اسماعیل زاده، علی‌اصغر، بقایی، علی، عمیدی، شهلا (۱۳۹۳). مرور سیستماتیک تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۴، شماره ۲۷
۳. بابایی فرد، اسدالله، سعادت، موسی، اخوان، افسانه (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق در میان زوجین شهر کاشان، فصلنامه جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی، سال پنجم، شماره سیزدهم، ۱۱۹-۱۵۱
۴. بهاری، فرشاد و میروسی، لیلی (۱۳۷۷). گونه‌شناسی طلاق و سیر آن. مجله پیام، مشاوره ۴. ۳۳-۵۱
۵. باستانی، ربابه (۱۳۷۴). طلاق، نشر تندیس
۶. حسینی اصل، توحید، (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی مؤثر بر افزایش طلاق در سال ۱۳۹۳ (مطالعه موردی مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده در منطقه ۵ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی
۷. روشنی، شهره (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: زمینه‌ها و پیامدها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، به راهنمای دکتر سوسن باستانی و دکتر محمود گلزاری، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی
۸. رینتر، جورج (۱۳۸۶). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
۹. سفیری، خدیجه (۱۳۶۶). تحول خانواده در ایران طی سی سال اخیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان
۱۱. ساروخانی، باقر (۱۳۷۲). طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، انتشارات دانشگاه تهران
۱۲. صدیق ارفعی، فریبرز، نیازی، محسن (۱۳۸۸). روانشناسی طلاق. تهران: دعوت
۱۳. قادری نیا، کوهسار (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق و علل آن در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی
۱۴. کرنلیا برنتانو، استوارت، کلارک، آلیسون (۱۳۸۹). علل و پیامدهای طلاق. مترجمان: صادقی، سعید، ناجی، مجتبی مجمدزاده، محمود، دانشگاه نبراسکا لینکلن

۱۵. محمودی، ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج، پایانامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه یاسوج
۱۶. نیازی، محسن، صدیق ارفعی، فریبرز (۱۳۹۰). جامعه شناسی طلاق، تهران: سخنوران، رشدآوران
17. Amato, Paul & Rogers, s. (۱۹۹۹): "Do attitude towards divorce affect marital quality?" Journal of Family Issues, Vol. ۲۰, No. ۱, ۸۶-۶۹
18. Martin Steven P. & parashar, Sangeeta (2003): "An education crossover in divorce attitudes" Department of sociology and Maryland Population research center, University of Maryland, College Park.
19. Stak, Steven & Elena Bandowski. (1994). "Divorce And Drinking: An Analysis of Russian Data", Journal of Mariage And The Family, Vol. 56, 805-812.
20. Kalmijn, M. ,& Others (2004) Interaction between cultural and economic determinants of divorce in the Netherlands . Marriage and Family, 66 (1):75-89.